

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و نهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 26 بهمن 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

دلیل دیگری که بر اعتبار یا عدم اعتبار حجیت خبر واحد اقامه شده است درک عقل است؛ اگر فراموش نکرده باشید تقریباً دو ماه قبل گفتیم که مرحوم آخوند یکی از ادله که برای حجیت خبر واحد ذکر می کند دلیل عقل است و الان نوبتش رسیده که مفصلاً بحث کنیم. جالب اینکه هم موافقین به درک عقل تمسک کرده اند هم مخالفین

دلیل مخالفین تمسک به درک عقل در حجیت خبر واحد

مخالفین با این بیان که عمل به خبر واحد، عمل به ظن است و جز فاصله گرفتن از شریعت، عمل به خبر واحد هیچ نتیجه ای ندارد مخصوصاً اگر به سابقه خبر واحد بنگریم و بدانیم که دسائین و جعلینی وجود داشتند که خبر جعل می کردند. تیر آخر این جریان را ابن ادریس می زند و می گوید آیا جز عمل به خبر واحد اسلام را نابود کرد؟ این دلیل عقلی است که می گوید عمل به خبر واحد اسلام را از بین می برد. البته این دلیل عقلی است و مبتنی به تجربه و اطلاعات بیرونی است.

موافقین حجیت خبر واحد به ملاک درک عقل

در مقابل موافقین را داریم؛ موافقین چند رقم بیان دارند. کفایه که کتاب مختصر اصولی است سه یا چهار بیان دارد و چون در جاهای دیگر بحث شده ما فقط دو تقریر را بیان می کنیم.

1: ما علم اجمالی داریم که اخباری از حضرات معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده است و در اختیار ما است قطعاً از معصومین علیهم السلام صادر شده است و اگر ما به این احکام عمل کنیم می فهمیم که به معظم اخبار فقهی عمل کرده ایم؛ اگر کسی واجبات اخبار را عمل کند و محرّمات را ترک کند و... در این صورت نمی تواند بگوید بخشی از احکام بر زمین مانده است بلکه عمل به همین اخبار باعث می شود که علم اجمالی اش منجز شود و نسبت به سایر موارد هم شکش بدوی می شود. مرحوم آخوند جوابی که به این دلیل می دهد اینگونه است؛ آقای که طرفدار حجیت خبر واحد به واسطه درک عقل هستی آیا ادعا این بود؟! ادعا این بود که درک عقل در کنار سایر ادله مستقلاً سند حجیت باشد به گونه ای که معارضه با اجماع و... کند آیا بیان شما از حجیت خبر واحد چنین توانی دارد؟ نهایت چیزی که تقریر شما می فهماند این است که وقتی دستت از اجماع و قرآن خالی بود به اخباری که صادر شده عمل کن چرا که معظم احکام از طریق روایات رسیده است. و این 30% یا 40% از مدعای شما را پوشش می دهد نه همه مدعای شما را.

2: انا نقطع باننا مکلفون و بسیاری از اصول از طریق اخبار بیان شده است؛ عمده جزئیات اصول هم به واسطه خبر واحد بیان شده است به گونه ای که ما اگر به خبر واحد عمل نکنیم ماهیت عبادات تغییر می کند. و برای اینکه به این مشکل مواجه نشویم می گوییم خبر واحد حجت است.

فرق تقریر اول و دوم: در تقریر اول از طریق علم اجمالی وارد شدیم و گفتیم که عقل می گوید به علم اجمالی عمل کن سپس گفتیم علم اجمالی منحل می شود به شک بدوی و اخبار یقینی ... اما در بیان دوم: از طریق علم اجمالی و انحلال وارد نمی شود بلکه می گوید ما تکلیف داریم و اگر بخواهیم به تکلیف عمل کنیم باید به اخبار آحاد عمل کنیم و اگر به اخبار آحاد عمل نکنیم باید یک رساله جدیدی بنویسیم.

استاد: جوابی که به بیان قبلی دادیم بعینه در اینجا هم می آید (جواب از مرحوم آخوند است) مدعا این نیست که خبر واحد فی الجمله حجت است بلکه مدعا این است که ما خبر واحد را حجت کنیم و بر تمام اصول عملیه (احتیاط، استصحاب و...) مقدم کنیم؛ آیا این بیان می تواند چنین مدعای را ثابت کند؟!

استاد: من در اینجا اختیار را با شما گذاشتم؛ دو بیان دیگر در کفایه است همچنین در مصباح الاصول بیان های دیگری است که به آنها مراجعه کنید.

استاد: من فکر می کنم دامنه بحث را از تتبع در قول دیگران جمع کنیم و تحقیق خود را بیان کنیم و بحث را به پایان ببریم.

تحقیق در مساله

اولاً باید بیان موافقین ناظر به بیان مخالفین باشد تا ارزش پیدا کند چنانچه اگر کسی می خواهد استدلال به عقل بکند باید دقیق جزئیات را به عقل ارائه دهد؛ در منطق خوانده اید که عقل در جزئیات وارد نمی شود؛ عقل نمی تواند بگوید به اخبار ما چه گذشته است باید جزئیات را به عقل ارائه کنید تا عقل حکم کلی کند. مثلاً ممکن است عقل سوال می کند آیا راه بهتری از خبر واحد وجود دارد یا نه؟ اگر بگوییم بله؛ عقل می گوید از راه مطمئن تر و بهتر پیروی کنید. یعنی عقل طبق داده های که دریافت می کند حکم کلی می کند. عقل مانند یک قاضی است که می خواهد قضاوت کند هرچه پرونده دقیق تر باشد حکم قاضی هم دقیق تر می شود.

اگر به عقل بگوییم آقای عقل ما می توانیم از طریق اخبار محفوف به قرینه و متواتر اشباه شویم حال چه کنیم آیا به خبر واحد عمل کنیم؟ پاسخ می دهد نه عمل نکنید. پس عقل طبق داده ها حکم می کند.

اتفاقاً یادتان باشد ما وقتی کلام سید مرتضی را می خواندیم مشاهده کردیم که ایشان می فرمود ما این قدر اخبار متواتر و محفوف به قرینه داریم که نیاز نیست به اخبار واحد بدون قرینه رجوع کنیم.

استاد: به نظر ما ادعای سید مرتضی ادعای گزاف است چرا که ما هستیم و صدها مساله حج یا صدها مساله نماز، اقلماً ما هزار فرع در دیات داریم که در رساله نیست؛ چطور می توانیم چنین ادعای بکنیم.

استاد: من زمانی فکر می کردم که امثال ابن ادریس که خبر واحد را قبول ندارد چطور به جزئیات نماز یا حج و... عمل می کند؛ به این نتیجه رسیدم که اینها قرائن را بسط می دهند مانند کسانی که می گویند کل احادیث کافی حجت است. کسی که کل احادیث کافی یا وسائل را حجت می داند اگر خبر واحد را هم حجت نداند خللی وارد نمی شود.

ابن ادریس خبر واحد را قبول ندارد بلکه عمل به خبر واحد را موجب هدم اسلام می داند اما علامه حجیت خبر واحد را قبول دارد؛ شما اگر کتاب سرائر ابن ادریس را پیش کتاب علامه بگذارید خیلی تفاوت احساس نمی کنید چرا که گسترشی که ابن ادریس در قرائن می دهد خودش را به علامه نزدیک می کند.

استاد: ما به عقل میگوییم ما قرآن داریم خبر متواتر داریم اخبار محفوف داریم و... حال داوری کن آیا خبر ثقه (حتی ثقه در شخص خبر) متحرز از کذب، خطا و نسیان فاحش و... که خبر معارض هم مقابلش نیست حجت است یا نه؟ به نظر ما عقل بدون تامل می گوید خبر واحد در این صورت خوب است.

اشکال: این بیان مبتنی بر نوعی انسداد است در حالی که محل بحث ما فرض انفتاح است.

اشکال دوم: خبر واحد برای جایی است که اطلاق و عموم قرآنی و اصول عملیه نداشته باشیم ما کجاست که اصول عملیه نداریم الی ما شاء الله ما اصول عملیه داریم.

والحمد لله رب العالمین